

آمل در نهضت و انقلاب اسلامی

امین عزیزی^۱

شهر آمل در بین دیگر شهرهای استان مازندران چه قبل و بعد از اسلام از یک نوع مرکزیت سیاسی و پیشینه تاریخی و مذهبی درخشانی برخوردار بوده است. به طوری که بعد از ورود اسلام به ایران اولین حکومت شیعی و علوی و بعدها سلسله سادات مرعشی در این شهر تأسیس گردید. به دلیل وجود حوزه علمیه پویا در این شهر همواره ارتباط تنگاتنگی بین مردم علوی و مذهبی این شهرستان با علما و روحانیون در طول دوران بعد از اسلام و تاریخ معاصر به چشم می خورد. با این سابقه و پیشینه تاریخی و مذهبی بود که نقش این شهر در حمایت از نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی همگام با سایر شهرهای بزرگ کشور چشمگیر و برجسته بوده است؛ به طوری که با لبیک به مرجعیت دینی و سیاسی امام خمینی (ره) از همان روزهای اول آغاز نهضت، همگام و همراه با علما و روحانیون بزرگ این شهر وارد عرصه مبارزه با رژیم پهلوی گردیدند و در قیام خونین ۱۵ خرداد به حمایت از امام خمینی (ره) و نهضت ایشان، تأثیرگذار ظاهر شدند. مردم این شهر در طول دوران نهضت و انقلاب فعالیتها و خدمات مؤثری به نهضت امام

۱. کارشناس اسناد اداره کل پژوهش و اسناد ریاست جمهوری





خمینی و انقلاب اسلامی ایفا کردند؛ به طوری که در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی شهر آمل اولین شهری بود که از یک حکومت مردمی برای اداره شهر برخوردار شد. این مقاله می‌کوشد نقش آمل را در پیشبرد نهضت امام تا آنجا که این نوشتار گنجایش دارد به درستی بنمایاند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و منبع اصلی نگارش آن نیز کتابخانه‌ای است. هر چند برای غنای هر چه بیشتر مطالب از منابع آرشیوی و اسنادی نیز بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: آمل، نهضت امام خمینی، قیام ۱۵ خرداد، روحانیت، بازاریان، حکومت پهلوی

مقدمه

یکی از وقایع مهم و شگفت‌انگیز تاریخ معاصر ایران که نقش گسترده‌ای در تغییر مناسبات سیاسی جهان داشت، پدیده انقلاب اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم بود. یکی از مشخصه‌های انقلاب اسلامی که تحیر و تعجب اکثر تحلیل‌گران و متخصصین تحولات اجتماعی را موجب شد، بسیج ناگهانی همه مردم علیه رژیم پهلوی بود؛ امری که در انقلاب‌های دیگر سابقه نداشت. بر عکس دیگر انقلاب‌های جهان، به جز محدود افرادی که وابستگی نزدیک به رژیم شاه داشتند یا منافع آنان با موجودیت رژیم به هم گره خورده بود، دیگر قشرها و طبقات جامعه از فقیر و غنی، شهری و روستایی، روحانی و دانشگاهی، فارس و ترک، کرد و لر، مسلمان و غیر مسلمان، زن و مرد، پیر و جوان، گویی روحی واحد یافته بودند. تبلور عینی این همبستگی را می‌توان در روزهای عید فطر، تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ در تهران و دیگر شهرهای ایران دید. این اراده جمعی برای مفسران و تحلیل‌گران سیاسی قابل هضم نبود و به قول میشل فوکو چنین اراده‌ای «مانند خدا یا روح شاید هرگز به چشم دیده نشود اما در تهران و در تمام ایران چنین اراده جمعی مشاهده شد.»^۱ یکی از شهرهایی که از همان ابتدای نهضت امام خمینی در راستای مبارزه با رژیم پهلوی و حمایت از نهضت ایشان نقش قابل ملاحظه‌ای از خود بروز داد و در پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرید، شهرستان آمل بود. این شهر با توجه به قدمت تاریخی و مذهبی من جمله مرکز تشکیل سلسله علویان طبرستان-اولین سلسله شیعی در ایران- و همچنین سلسله سادات مرعشی و وجود حوزه علمیه قوی و پویا در دوران اسلامی از مرکزیتی دینی و سیاسی در بین دیگر شهرهای مازندران برخوردار

۱. پیربلانسه و گلوبریر، *ایران، انقلاب به نام خدا*، ترجمه قاسم صغوی، تهران، سبحان، ص ۲۵۵.

بوده است و حتی در مبارزات ضد استعماری و استبدادی دوران معاصر که منجر به انقلاب مشروطه شده بود، نیز فعال بوده است. با توجه به این صیغه و سابقه بود که بعد از آغاز نهضت امام خمینی مردم، بازاریان و علمای این شهر در پیوند با یکدیگر در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران بود، به تکاپویی گسترده افتادند. قیام ۱۵ خرداد ۴۲ فصلی جدید در مبارزات علما و روحانیون و مردم علیه حکومت پهلوی گشود. سخنرانی تاریخی امام خمینی در عصر عاشورا منتهی به قیام خونین شد که اگرچه رژیم توانست آن را سرکوب کند اما در واقع این مردم، روحانیت و در رأس آن امام خمینی بودند که توانستند پیروزی مهمی را به دست بیاورند. گستره این قیام محدود به تهران و قم نشد و علاوه بر شهرهای ایران، انعکاس خارجی نیز داشت. یکی از این شهرهایی که همگام با سایر شهرها در این واقعه تأثیرگذار بود، شهرستان آمل است. در آمل مردم با رهبری روحانیون و بازاریان به پشتیبانی از این قیام به فعالیت‌هایی دست زدند. در این میان نقش روحانیت برجسته بود. آنها با تشکیل هسته مرکزی روحانیت مبارز با توزیع اعلامیه‌ها، تشکیل جلسات متعدد، هماهنگی با مبارزان و مهاجرت به قم و تهران، اعتراض خود را نسبت به دستگیری امام، مراجع و کشتار خونین مردم اعلام کردند.

در دوران پساقیام نیز مردم آمل با پیشگامی علما و روحانیون این شهر در حمایت از امام و نهضت اسلامی از پای ننشستند؛ به طوری که با صدور اعلامیه‌های حمایت‌آمیز و مخالفت با اقدامات رژیم، برپایی تظاهرات‌های متعدد و دادن شعارهای انقلابی و حماسی حرکت‌های خود را علیه رژیم شدت بخشیدند و شهدای زیادی هم تقدیم انقلاب اسلامی نمودند. در راستای همین تلاش‌ها بود که در آستانه انقلاب اسلامی آمل اولین شهری بود که از یک حکومت مردمی برای اداره شهر برخوردار شد. با این توصیفات و با عنایت به اینکه در مورد نقش آمل در نهضت اسلامی تاکنون هیچ مقاله و اثر پژوهشی منتشر نشده است نگارنده در این مقاله کوشید با توجه به خلأ پژوهشی در این زمینه برای نخستین بار به نقش و عملکرد شهر آمل در نهضت و انقلاب اسلامی بپردازد.

از تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی تا قیام ۱۵ خرداد

لابحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که در مهرماه ۱۳۴۱ به تصویب دولت پهلوی رسید، در واقع مصوبه اجرا و تعیین شرایط اعضای این انجمن‌ها بود که اصول نود تا نود و سه



متمم قانون اساسی مشروطه به طور کلی به آن پرداخته و بر اساس آن مقرر می‌داشت که انجمن‌هایی در شهر و مناطق ایالتی و ولایتی با اعضای منتخب از طرف اهالی تشکیل گردیده و برنامه‌های عمرانی آن مناطق با نظر آنان انجام گیرد.



لکن مسئله‌ای که به وجود آمده بود تعیین شرایط انتخاب اعضای آن بود که به موجب آن واژه اسلام در شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان منظور نگردیده یا حذف شده بود و انتخاب‌شوندگان نیز به جای این که به قرآن قسم یاد کنند می‌توانستند به کتاب آسمانی قسم یاد کنند. افزون بر این، دولت پهلوی برای این که خود و برنامه‌های خود را مترقی جلوه دهد و راه مخالفت را ببندد در این مصوبه حق رأی برای زنان را هم منظور کرده بود تا از این رهگذر با ادعای مترقی بودن برنامه‌هایش و این که می‌خواهد به زنان نقش دهد و در مجموع با فضای ایجادشده امکان مخالفت با برنامه‌های غربی‌اش را ناممکن نماید؛ ولی به رغم اتخاذ این مواضع دو پهلوی، امام خمینی (ره) که مصوبه مذکور را مقدمه برنامه‌های ضد قانونی و ضد اسلامی رژیم شاه می‌دانست نسبت به تصویب چنین لایحه‌ای اعلام خطر کرده و به مخالفت با آن برخاست.

امام خمینی (ره) و علما در نشستی که در این باره برگزار کردند در قبال این مصوبه موضع گرفتند و به دنبال آن طی تلگراف به شاه مخالفت خود را با این لایحه اعلام داشته و لغو فوری آن را خواستار شدند. امام خمینی (ره) در تلگراف خود تصویب لایحه مذکور را مخالف «شرع مقدس» و «مباین صریح قانون اساسی» دانست و ضمن توصیه به رعایت قوانین اسلام، تأکید نمود که علمای ایران و سایر مسلمین در امور مخالف با

شرع ساکت نخواهند ماند.

امام خمینی (ره) در تلگراف بعدی به دولت گوشزد کردند که:

معلوم می شود شما بنا ندارید به نصیحت های علمای اسلام که ناصح ملت و مشفق امت اند توجه کنید و گمان کردید (که) ممکن است در مقابل قرآن کریم، قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد..

در واقع دلیل مخالفت امام (ره) و علما با این مصوبه این بود که برداشتن قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و قرار دادن سوگند به کتاب آسمانی به جای قرآن، اقدامی در جهت تقویت بیگانگان و غیر مسلمانان در کشور به شمار می آمد؛ و به گروه های صاحب نفوذ غیر مسلمان که در عمل سیاست کشور را در اختیار داشتند فرصت می داد تا موجودیت خود را اعلام دارند؛ کما اینکه امام خمینی بارها خطر نفوذ صهیونیست ها و عمال بهایی آنها را در ایران تذکر داده بود.

در جریان تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی در آمل نیز مانند سایر شهرهای مازندران علما و بازاریان به صحنه آمدند و فعالیت های فراوانی برای تنویر افکار عمومی نسبت به اصول ضد قانونی و شرعی آن مصوبه به عمل آوردند. با توجه به فرآیندهای فوق و به دنبال انتشار خبر تصویب نامه در جراید از طرف علما و روحانیون حوزه علمیه قم، و سایر شهرستان های ایران من جمله شهرستان آمل و حوزه علمیه نجف اشرف مخالفت های بی سابقه ای آغاز شد. در همین زمان اعلامیه ای از آیت الله میرزا هاشم آملی خطاب به آیات و مراجع قم و در حمایت از آنان صادر شد. او این مسئله را سرکوبی افرادی که خیال خام تغییر احکام متین و متقن اسلام را در مغز خود می پروراند اعلام کرد.^۱ روحانیون و در صدر آنها مراجع تقلید، خصوصاً امام خمینی اقدامات فوری و لازم خود را به طور قاطع علیه تصویب نامه شاه آغاز کردند. اولین جلسه را در منزل آیت الله حاج آقا مرتضی حائری (ره) تشکیل دادند. امام خمینی در این نشست نقشه های استعمار و امپریالیسم را برای مراجع تشریح کرد و تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را نمونه ای از آن توطئه ها معرفی کرد و مسئولیت علما را در مقابل استقلال کشور و حفاظت از اسلام یادآور شد. آدر پی این نشست جلسه دیگری با شرکت تعداد بیشتری از علما از جمله آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله سید محمد موسوی (داماد) آیت الله احمد زنجانی، آیت الله میرزا هاشم آملی و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری یزدی،

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۱-۱۲۰.

۲. سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، راه امام، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۴۹.



تشکیل و بعد از بحث و تبادل نظر تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

الف: طی تلگرافی به شاه مخالفت علمای اسلام را با مفاد تصویب‌نامه‌های مزبور اعلام داشته، لغو فوری آن درخواست شود.

ب: طی نامه و پیغام به علمای مرکز و شهرستان‌ها، جریان تصویب‌نامه و خطرهایی را که برای اسلام و ملت ایران در بردارد، بازگو شود و برای مقابله و مبارزه با آن از آنان نیز دعوت به عمل آید.

ج: هر هفته یکبار و در صورت لزوم بیشتر، جلسه مشاوره و تبادل نظر میان علمای قم برقرار شود، و در کوشش‌ها و فعالیت‌هایی که به منظور مبارزه با تصویب‌نامه انجام می‌پذیرد با وحدت و اتفاق کامل آنان همراه باشد.

از این تاریخ سیل اعتراضات، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و تلگرافات به سوی تهران و دربار از قم و شهرستان‌های ایران و نجف اشرف سرازیر شد؛ به طوری که بلافاصله بعد از نشست مذکور تلگرافی به امضای مشترک چهار نفر از علمای حاضر (آیت‌الله زنجانی، داماد، آملی و حائری) به شاه مخابره شد. در این تلگراف لایحه را موجب «تساوی مسلمان و کافر» دانستند و به سوگند به کتاب آسمانی به جای قرآن نیز اعتراض کردند.^۱ هماهنگی در متن تلگرام نشان‌دهنده رعایت مصوبات جلسه از سوی مراجع بود. به طوری که آیت‌الله محمدتقی آملی به همراه سه نفر از مراجع طراز اول تهران (آیت‌الله سید احمد خوانساری، آیت‌الله سید محمد بهبهانی و آیت‌الله شیخ محمدرضا تنکابنی) با اطلاعیه‌ای جداگانه از مردم تهران دعوت کردند که به خاطر بی‌اعتنایی دولت در لغو لایحه، برای موفقیت مسلمین در مجلس دعایی که روز پنجشنبه اول رجب (مطابق ۸ آذر) از ساعت ۹ صبح در مسجد سید عزیزالله تشکیل می‌گردد، شرکت نمایند.^۲ تا آن که در تاریخ ۷ آذر ماه ۱۳۴۱ - یعنی یک روز قبل از برگزاری مجلس در مسجد سید عزیزالله - هیئت دولت تشکیل جلسه داد؛ پس از گفت‌وگوهای طولانی تلگراف‌هایی به سه تن از علمای قم (آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی و آیت‌الله شریعتمداری) مخابره و توسط نامه‌هایی به علمای تهران لغو تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اعلام شد. اگر چه با این تلگراف ظاهراً غائله خاتمه یافته تلقی می‌نمود، ولی امام خمینی (ره) اصرار داشتند، تا خبر لغو تصویب‌نامه از طرف دولت در جراید منعکس نگردد، نباید ماجرا را پایان یافته تلقی کرد.

۱. اسناد/انقلاب/اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰.

۲. روح‌الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴-۱۶۳.



امام خمینی سعی داشتند دولت و رژیم را به عقب‌نشینی وادار و از فرصت به دست آمده کمال استفاده را بنمایند. ایشان طی نامه و پیغام‌هایی از علما و مردم خواستند تا دولت خبر لغو تصویب‌نامه را رسماً در جراید اعلام نکرده، به مبارزات خود ادامه دهند و غائله را خاتمه‌یافته تلقی نمایند. در همین راستا امام خمینی به جمعیتی که روز جمعه نهم آذرماه ۴۱ و در ساعت ۳ بعد از ظهر آن روز، منزل ایشان گرد آمده بودند، گفتند: مبارزه تا درج خبر لغو تصویب‌نامه در روزنامه‌ها ادامه دارد. سرانجام این موضع‌گیری بسیار حساس و حیاتی، رژیم را وادار کرد روز شنبه ۱۰/۹/۱۳۴۱ خبر زیر را در روزنامه‌های رسمی درج نماید. روزنامه‌های دهم آذرماه با تیتراژ درشت نوشتند که «در هیئت دولت تصویب شد که تصویب‌نامه مورخه ۱۳۴۱/۷/۱۴ قابل اجرا نخواهد بود.»^۱

علمای بنام دیگر آمل نیز در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به شدت از خود واکنش نشان دادند؛ به طوری که آیت‌الله محمدتقی آملی به همراه شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله تنکابنی و ۱۱۴ نفر از روحانیون معروف نامه‌ای سرگشاده با عنوان «برادران ایمانی» امضا کردند. این اعلامیه مهم، جزء مستدل‌ترین و قاطع‌ترین بیانه‌هایی بود که در آن زمان صادر شد.^۲

در همین برهه زمانی که آوازه آیت‌الله خمینی در مخالفت قاطعانه با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بر سر زبان‌ها افتاده بود، با وجود مشقت مسافرت و مشکلات جاده و مسافت طولانی و عقب‌ماندگی وسایل حمل و نقل و کمبود ماشین‌آلات به خاطر ارادت‌مآزندگانی‌ها به امام تعداد زیادی از مردم از این استان به قم رفتند و ضمن ملاقات با امام خمینی مقداری وجوهات شرعیه نیز جهت مصارف حوزه‌های علمیه و تبلیغات مذهبی و پیشبرد مبارزه علیه حکومت پهلوی به او پرداخت نمودند که برخی از این مسافرت‌ها توسط جاسوسان ساواک و شهربانی گزارش شده است.

پس از آن که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، با مخالفت و مقاومت پی‌گیر و قاطع امام خمینی و دیگر مراجع روبه‌رو و سرانجام از سوی هیئت وزیران رسماً ملغی گردید، شاه تصور کرد که اگر خود مجری چنین رفرم‌هایی شود با مخالفت جدی مواجه نشده و اقداماتش با موفقیت همراه خواهد بود. آن‌چه شاه را واداشت تا مسئولیت این کار را بر عهده گیرد، تعهدی بود که در قبال تعویض و برکناری علی‌امینی به امریکا سپرده بود. در واقع رفرم‌های مذکور که پیش از این در قالب تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی با

۱. سید حمید روحانی، نهضت/امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی/عروج، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴۷-۱۶۳.

۲. روح‌الله حسینیان، همان.

شکست مواجه شده بود، با حذف و اضافاتی مجدداً مورد توجه قرار گرفت. از این رو شاه در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ هـ ش - سالروز اصلاحات ارضی - به طور رسمی اعلام کرد قصد دارد اصول شش گانه‌ای را به فراندوم بگذارد. این اصولی که شاه به آن نام «انقلاب سفید» داده بود، در حقیقت همان فراندوم‌هایی بود که امریکا به کشورهای توسعه‌نیافته اعلام کرده بود. یکی از مهم‌ترین اعلامیه‌های صادر شده در جریان فراندوم، اعلامیه معروف به اعلامیه نه امضایی در محکومیت و تحریم فراندوم بود که غیر از امام خمینی امضای حضرات آیات هاشم آملی، گلپایگانی، شریعتمداری و پنج امضای دیگر را در پای خود داشت.^۱



با شروع سال ۴۲ مبارزه روحانیت به رهبری امام گسترده‌تر شد. عید نوروز سال ۴۲ در اعتراض به برگزاری فراندوم در ۶ بهمن ۱۳۴۱ عزای عمومی اعلام شد. یک هفته قبل از حلول سال ۱۳۴۲ امام خمینی علما و مراجع قم را برای یک نشست دعوت کرد. معظم‌له پیشنهاد کرد تا توسط علما اعلام شود: «روحانیت امسال عید ندارد.» این پیشنهاد مورد موافقت حاضرین قرار گرفت و قرار شد اعلامیه‌هایی جداگانه توسط مراجع صادر شود. حضرت امام در پی نامه‌ای از حجت‌الاسلام محمد تقی فلسفی خواست تا آیت‌الله تنکابنی (پدر آقای فلسفی)، آیت‌الله محمد تقی آملی و آیت‌الله آشتیانی نیز اعلامیه‌ای صادر و تصمیم تحریم عید نوروز را اعلام کنند. در همین راستا مراجع مذکور با صدور اعلامیه‌ای اعلام کردند: «جامعه روحانیت عزادار و به عنوان عید جلوس نخواهد داشت.»

۱. صحیفه/امام، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۴۵.



این اعلامیه توسط ۴۶ نفر از علما و روحانیون تهران امضا شد که آیات محمد تقی آملی و تنکابنی نیز جزء امضاکنندگان بودند.^۱ رژیم شاه به سرعت پاسخ شدیدی به این اقدامات داد؛ به طوری که به مراسم عزاداری امام جعفر صادق (ع) در مدرسه فیضیه حمله کرد و دست به تخریب مدرسه و ضرب و شتم طلاب زد. حمله رژیم به مدرسه فیضیه مقدمه‌ای برای برگزاری اجتماعات و گسترش اعتراضات در سال ۴۲ بود. پس از این حادثه امام خمینی با صدور اعلامیه‌ای کشتار طلاب در مدرسه فیضیه را به شدت محکوم کرد و از مردم خواست مخالفت خود را با رژیم پهلوی علنی کنند.^۲ خبر این مراسم توسط مازندرانی‌ها که در قم حضور داشتند به شهرهای مختلف این منطقه رسید و موجب بروز واکنش‌هایی شد که گزارش برخی از آنها در اسناد ساواک منعکس شده است. به طوری که قشرها و گروه‌های دیگری از اهالی متدین مناطق مختلف مازندران من جمله شهرستان آمل به شهر قم رفتند و با امام خمینی (ره) دیدار و گفت‌وگو کردند که بر اساس گزارش مورخ ۴۲/۱/۲۷ ساواک و اسناد مورخ ۴۲/۱/۲۸ و ۴۲/۲/۳۰ شهربانی قم خطاب به واحد اطلاعات شهربانی کشور اسامی آنها عبارت است از: ۱. حسن ملک پور (اهل آمل) ۲. اسدالله مقیمی (اهل آمل) ۳. خلیل مرتضوی (اهل آمل) ۴. محمود مهدوی (اهل آمل) ۵. شیخ عمادالدین کریمی (اهل کجور) ۶. شریف‌نژاد (اهل عزیزآباد بابل) ۷. قربانعلی رزاقی (اهل بابل) ۸. محمدعلی نوربان (اهل شاهی مقیم کفشگر کلاه) ۹. شیخ توقی بابلی (اهل دیر کلاه) ۱۰. هادی آقا (اهل آمل) ۱۱. حاج عادلانی (اهل شاه) ۱۲. آیت‌الله صبوری (اهل شاهی) ۱۳. حاجی زاده (اهل آمل)

سپس مقام مسئول ساواک دستور داده که مقرر نمایند در محل مراقبت قرار گیرند که ارتباط آنها با امام خمینی قطع شود.^۳

آمل در قیام ۱۵ خرداد

قیام امام خمینی (ره) علیه رژیم پهلوی که از تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید آغاز شده بود با حمله رژیم به مدرسه فیضیه قم و ضرب و شتم طلاب ابعاد وسیع‌تری یافت. در فاصله میان حادثه مدرسه فیضیه و آغاز ماه محرم، یعنی ۲ فروردین تا ۴ خرداد ۱۳۴۲، مبارزات امام خمینی (ره) در قالب صدور اعلامیه‌های متعدد بود. اما با

۱. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۲۵۳-۲۵۲.

۲. سید جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، اسلامی، ج ۲، ص ۳۴.

۳. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، شهریور ۱۳۷۸.

آغاز ماه محرم، اعتراضات رفته‌رفته به یک قیام تبدیل شد. آغاز ماه محرم سال ۱۳۴۲ ش و برگزاری مراسم عزاداری و مجالس وعظ و سخنرانی مذهبی، فرصتی برای تبلیغ علیه حکومت و افشای اقدامات ضد دینی آن بود. مراسم عاشورا در قم به گونه‌ای دیگر برگزار شد. امام خمینی (ره) در عصر عاشورا در مدرسه فیضیه به سخنرانی پرداخت و حکومت شاه را به خاطر کشتار فیضیه به شدت محکوم و وابستگی شاه به اسرائیل را نیز افشا کرد. سخنان کوبنده و افشاگرانه امام در عصر عاشورا در مدرسه فیضیه، شاه را بیش از پیش نزد مردم تحقیر و رسوا کرد. نیمه‌شب ۱۵ خرداد مأمورین انتظامی قم، آیت‌الله خمینی را دستگیر و به تهران منتقل و در پادگان عشرت‌آباد بازداشت کردند. ابتدا به بازداشتگاه باشگاه افسران و سپس غروب روز بعد، به زندان قصر واقع در تهران بردند. آیت‌الله قمی در مشهد و آیت‌الله محلاتی در شیراز نیز دستگیر و به تهران منتقل شدند.^۱

پخش خبر دستگیری امام، موج اعتراض قشرهای گوناگون مردم ایران را به گونه‌ای باورنکردنی در تهران و دیگر شهرهای کشور برانگیخت. مردم در تهران، قم، شیراز، مشهد، آمل و ورامین و پیشوا به خیابان‌ها ریختند و شعارهایی نظیر «یا مرگ یا خمینی» سردادند.^۲

در تهران تظاهرات از میدان بارفروش‌ها شروع شد و به بازار و میدان ارگ رسید. همزمان در تهران، در شهرهای بزرگ نیز در اعتراض به دستگیری امام تظاهرات گسترده‌ای شکل گرفت. هزاران تن از کشاورزان ورامین و روستاهای اطراف تهران، پس از اطلاع از دستگیری امام، در حالی که کفن بر تن داشتند به سوی تهران حرکت کردند و در برخورد با نیروهای مسلح، عده زیادی از آنان کشته و مجروح شدند.^۳ مردم با خبر دستگیری امام و نیز کشتار بی‌رحمانه ۱۵ خرداد توسط مأمورین خونخوار پهلوی به ماتم فرو رفتند. در همان روز حکومت نظامی برقرار و دستور کشتار اعتراض‌کنندگان از طرف شاه صادر شد. تظاهرات در بازار تهران که کانون حوادث و اعتراضات بود، تا سه روز ادامه داشت و پلیس و نیروهای امنیتی به سختی توانستند آرامش را برقرار سازند و بر اوضاع مسلط شوند. بسیاری از کسبه و اصناف بازار به عنوان اقدام علیه امنیت مملکت دستگیر و زندانی شدند. بازار تهران و دیگر شهرها به مدت چهارده روز اعتصاب کرده و تعطیل بودند. از جمله در آمل نیز این تحركات کاملاً به چشم می‌خورد. در جریان قیام ۱۵ خرداد در آمل با حمایت و پشتیبانی آیت‌الله میرزا هاشم آملی که از علمای آملی

۱. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲. غلامرضا صدیق‌اوری، اندیشه امام خمینی (ره) درباره تغییر جامعه، تهران، سوره، ۱۳۷۳، ص ۵۶-۵۰.

۳. همان.

مقیم قم بود، اقداماتی برای اعتصاب بازار به عمل آمد، ولی با دستگیری پرویز ناصری عامل اصلی اعتصاب، این تصمیم به ثمر نرسید. آقای پرویز ناصری عامل اصلی اعتصاب در این باره می‌گوید:

من به مغازه یکی از بازاریان آمل به نام آقای توکلی بزاز رفته بودم و به ایشان گفته بودم شماها که از طرفداران روحانیت می‌باشید، امکاناتی فراهم کنید تا آنها مبارزات خود را تسریع بخشند. مثل اینکه یکی از مأمورین ساواک از این ملاقات باخبر شد که بعد از مدتی به بازداشت بنده منجر شد. اما چون بنده قاضی دادگستری بودم نتوانستند اقدام سختی علیه بنده انجام دهند.^۱

این مسئله از نگاه ساواک نیز پنهان نماند؛ چنان که در یکی از گزارش‌های ساواک آمده:

تاریخ ۴۲/۳/۲۰ - شماره ۳۳۶۵

شب گذشته اطلاع رسید که عده‌ای اهالی بابل با چند نفر از اهالی آمل تماس گرفته و درصدد تعطیل بازار هر دو شهرستان می‌باشند. مراتب به شهربانی آمل ابلاغ و در مورد احضار و بازجویی آقای پرویز ناصری ساکن آمل که محرک اصلی می‌باشد، اقدام گردیده. مراتب را روز جاری در کمیته اطلاعاتی نیز مطرح خواهم نمود. ۳۱۲-۲۰-۴۲/۳ موثقی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان مازندران.^۲

جایگاه آیت‌الله هاشم آملی در مبارزه با رژیم پهلوی و حمایت از نهضت امام خمینی به گونه‌ای بود که دیگر شهرهای استان مازندران نیز با مخابره تلگرافی به ایشان که در این برهه زمانی در تهران به سر می‌برد، انزجار خود را از دستگیری امام و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد اعلام نمودند.^۳ به دنبال دستگیری امام، علمای زیادی از مشهد، قم، شیراز و اصفهان به تهران مهاجرت کرده و از آنجا به حرم حضرت عبدالعظیم رفته و دست به تحصن زدند. آنها خواستار آزادی و تأیید و تثبیت مرجعیت امام خمینی (ره) بودند.^۴ از دیگر اقدامات علمای مهاجر، افشاگری علیه رژیم با صدور اعلامیه و بیانیه بود.^۵

۱. گفت‌وگوی تلفنی امین عزیزی با پرویز ناصری، مورخه ۱۳۹۴/۱۱/۵.

۲. سید حمید روحانی، *نهضت امام خمینی (ره)*، همان، ص ۵۷۴؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ۱۱۹، ص ۱۱۹.

۳. *اسناد انقلاب اسلامی*، همان، ص ۹۰.

۴. *خاطرات اسدالله تجریشی*، تهران، عروج، ۱۳۸۷، ص ۴۱.

۵. *روح‌الله حسینیان*، همان، ص ۴۰۰.





آیت‌الله محمدتقی آملی نیز با حرکت به سوی حرم حضرت معصومه (س) به همراه سایر علما من جمله آیت‌الله مرتضی حائری، علامه طباطبایی که با همراهی مردم حمایت می‌شد با صدور اطلاعیه‌ای مشترک به همراه آیت‌الله شیخ احمد آشتیانی ضمن محکوم کردن دستگیری حضرت امام (ره) به ادعاهای پاکروان مبنی بر موافقت علما با اصلاحات شاهانه، پاسخ دادند. آنان همچنین وحدت «علمای بلده طیبه قم و نجف اشرف و مشهد مقدس و مرکز و شهرستان‌ها» را در مخالفت با اعمال خلاف شرع دولت اعلام کردند.^۱ مقاومت علما و مردم در برابر رژیم و مطرح شدن مسئله مرجعیت امام در این زمان راه هر گونه اقدام علیه او را منتفی کرد. آیت‌الله محمدتقی آملی نیز در زمره علمایی بود که بر مرجعیت امام خمینی (ره) تأکید کردند و همراه با علمای مهاجر و سایر علما به منظور تثبیت مرجعیت امام خمینی (ره) ده‌ها اعلامیه و استفتائیه به صورت فردی و جمعی صادر کردند؛ به طوری که مجموعه نامه‌های آیات میلانی، نجفی، شریعتمداری و محمدتقی آملی در یک اطلاعیه چاپ و منتشر شد.^۲

لذا در ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ و در آستانه برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم امام خمینی آزاد شد و در داودیه و سپس قیطریه تهران تحت نظر قرار گرفت. در حقیقت، ۱۵ خرداد را صبح صادقی برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌توان به شمار آورد که در واقع بذره‌های پر ثمر انقلاب اسلامی ایران در چنین قیامی افشاندن شد و تثبیت مرجعیت

۱. اسناد/انقلاب/اسلامی، همان، ص ۷۹.
 ۲. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۴۰۳-۴۰۲.



و رهبری امام خمینی (ره) با تأیید مراجع، علما و حمایت مردان و زنان شکل گرفت و بیداری عمومی را در پی داشت.

بنابراین می‌توان خاستگاه قیام ۱۵ خرداد را اندیشه‌های روحانیت مبارز شیعه به رهبری امام خمینی (ره) دانست. با توجه به اینکه ماهیت اصلی سیاست‌ها و برنامه‌های رژیم شاه، مبارزه با فرهنگ مذهبی مردم ایران بود و این مسئله نیز با روحیه مذهبی مردم سازگار نبود، قیام ۱۵ خرداد دارای ماهیت اصیل دینی و مذهبی بود؛ چرا که برای دفاع از فرهنگ اسلامی و هنجارهای مذهبی مردم ایران به وقوع پیوست. با توجه به سابقه دینی و مذهبی آمل و مهد اولین سلسله‌های شیعی و وجود علمای بنام شیعه در این شهر، می‌توان به حمایت و نقش غیر قابل انکار آنان در حمایت از نهضت دینی و اسلامی به رهبری یکی از عالمان دینی یعنی امام خمینی بیشتر وقوف یافت.

همان گونه که از مطالب بالا برمی‌آید در جریان قیام ۱۵ خرداد در آمل همانند سایر شهرها می‌توان حضور و دخالت دو گروه روحانی و بازاری را تعیین کننده دانست. در واقع این دو قشر در چهار چوب تعامل نهادهای سنتی و مذهبی جامعه به فعالیت سیاسی پرداختند و با تبلیغ و گسترش آموزه‌های نهضت در سرتاسر کشور، قابلیت و توانایی بالقوه نهادی خود را به آزمون گذاشتند.

از دوران بعد از قیام ۱۵ خرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی

قیام ۱۵ خرداد که با رهبری علما و مراجع در تهران، قم و دیگر شهرهای کشور من جمله آمل شکل گرفت، دستاورهای زیادی به همراه داشت به طوری که:

قرار گرفتن علما و مراجع در سطح رهبری نیروهای مذهبی، بیداری مردم و رویارویی آنان با اصل نظام طاغوت، آشکار شدن قدرت مذهب به وسیله بسیج گسترده مردمی و مقاومت در مقابل حرکت‌های ضد اسلامی استبداد و استکبار، سقوط تشکیلات ستم‌شاهی و اتحاد اقشار گوناگون مردم از مهم‌ترین این دستاوردها بود.^۱

هر چند رژیم، قیام ۱۵ خرداد را یک انقلاب کور لقب داد اما یک حرکت آشکارا مردمی بود که باعث آشنایی هر چه بیشتر مردم با امام خمینی (ره) گردید.^۲ قیام ۱۵ خرداد همچنین نقطه عطفی در انقلاب اسلامی و دگرگونی در محتوا و گستره مبارزه گروه‌های

1. <http://khabaramol.blogfa.com>

۲. فرامرز شعاع حسینی (به کوشش)، دیدار در نوفل‌لوشاتو، خاطرات سیاسی - اجتماعی ابوالفضل توکلی بینا، تهران، عروج، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶.

مبارز بود.^۱ چنان که یکی از تأثیرات عمیق و حرکت آفرین قیام ۱۵ خرداد، سازماندهی یافتن نیروهای سیاسی - مذهبی بود. شاه که تصور می کرد با سرکوب قیام ۱۵ خرداد، دستگیری امام، کوتاه آمدن برخی از علما و از همه مهم تر شایعه تفاهم، امام را منزوی ساخته است به تدریج در جهت عادی نشان دادن اوضاع حرکت کرد. لذا در ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ و در آستانه برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم امام خمینی (ره) آزاد شد و در داودیه و سپس قیطریه تهران تحت نظر قرار گرفت. پس از تشکیل مجلس تا آخر سال ۱۳۴۲ بحث تغییر کابینه و برکناری علم مطرح بود. در اسفند ۱۳۴۲ اسدالله علم عامل اصلی سرکوب قیام ۱۵ خرداد و نخست وزیر وقت برکنار شد و حسنعلی منصور به جای وی به نخست وزیری رسید. نخست وزیر جدید در اولین اقدام دستور داد امام خمینی به قم برگردانده شود. ورود امام خمینی به قم پس از ده ماه دوری، موجی از شادی را در کشور به وجود آورد.

بازگشت امام به قم با چنان از دحام و استقبالی مواجه شد که در تاریخ سیاسی ایران بی سابقه بود. علاقه مندان امام جشن بزرگی برگزار کردند و موجب انبساط خاطر مردم مسلمان سراسر کشور شدند. به مناسبت ورود امام به قم جشن باشکوهی در مدرسه فیضیه برگزار شد. ابتدا آقای مروارید و سپس آیت الله خزعلی به منبر رفتند و بعد نیز آقای حجتی کرمانی قطعنامه خواند. آذین بندی فیضیه نیز در آن مراسم بین طلبه ها تقسیم شده بود. از سمت شرق به طرف جنوب مدرسه در اختیار مازندرانی ها بود و آیت الله جوادی آملی آنها را سرپرستی می کرد و بقیه قسمت ها نیز با آقایان دین پوری خندق آبادی و علی حیدری بود.^۲

این در حالی بود که یک هفته قبل از آزادی امام، مقامات ساواک در استان مازندران که از آزادی امام در آینده ای نزدیک خبر داشتند شروع به تهدید و تطمیع افراد مخالف رژیم در شهرهای مختلف استان من جمله آمل نمودند تا به زعم خود مانع از هر گونه اقدام احتمالی آنها شوند. گزارش مورخ ۴۳/۱/۱۰ کنگرلو رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان دوم (مازندران) در این باره چنین است:

ضمن تماسی که با روحانیون متنفذ منطقه گرفته شده و مرتباً نیز گرفته خواهد شد، به آنان تفهیم گردیده است روحانی واقعی کسی است

۱. جواد منصوری، سیر تکوینی/انقلاب اسلامی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۳.

۲. عبدالوهاب فراتی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی؛ از مرجعیت امام خمینی تا تبعید، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

که کوشش خود را فقط [صرف] ارشاد مردم به طرف دین نموده و از این ره به دین اسلام و مردم خدمت نماید و چنانچه مطلقاً به امور مذهبی پرداخته و در سیاست دخالت ننماید مورد مرحمت [ساواک] قرار گرفته و از کمک‌های مادی و معنوی برخوردار خواهد شد. به همین لحاظ تا این تاریخ فعالیت مخالفت‌آمیزی از هیچ یک از آنان دیده نشده و به این جانب نیز قول داده‌اند من بعد فعالیت مضره ننمایند. با توجه به مراتب بالا و اینکه تعداد آنان در منطقه مازندران و گرگان، ساری، بهشهر، بابل، آمل، محمودآباد، نوشهر، چالوس، شهنسوار، رامسر، نور، گرگان، گنبد و بندر شاه، پانزده نفر می‌باشند، چنان چه مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال ارسال فرمایند می‌توان با تقسیم بین آنان و سایر تکایا، مساجد در ماه‌های محرم و صفر در پیشبرد مقاصد و نیت سازمان قدم‌های مؤثری برداشت.^۱

این در حالی بود که به خاطر عمق و گستردگی علاقه مردم به قائد و مرجع بزرگان که معروف به آیت‌الله حاج آقا روح‌الله خمینی بود، آنان به هر عکس و تصویر و کتاب و رساله منتسب به امام خمینی عشق می‌ورزیدند. به همین دلیل برخی از علاقه‌مندان امام پس از سفر به قم، تهران و مشهد تصاویر ایشان را نیز از مراکز مختلف تهیه می‌کردند و به مازندران من جمله آمل می‌آوردند و در میان مردم توزیع می‌کردند.^۲ این کار موجب عصبانیت دستگاه امنیتی رژیم شد؛ لذا ساواک، شهربانی و سایر مراکز نظامی سعی وافر نمودند تا عوامل توزیع‌کننده این تصاویر را شناسایی و دستگیر نمایند.^۳ برخی از این افراد ضمن ملاقات با امام و جوهات شرعیه خود را نیز پرداخت نموده‌اند که طبق گزارش مورخ ۴۲/۱۲/۳۰ شهربانی آیت‌الله صبوری و حاج عادلانی مبلغ ۱۰ هزار تومان به آیت‌الله شریعتمداری، اسدالله مقیمی و حسن ملک‌پور و هادی آقا پیشنماز مسجد جامع و مسجد شاه آمل جمعاً مبلغ پنجاه هزار تومان به امام خمینی، حاج مرتضی مالک اهل مازندران مبلغ ۴ هزار تومان به امام خمینی و حاجی زاده از تجار بازار آمل مبلغ ۴۰ هزار تومان به امام خمینی پرداخته است.^۴

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲. مصاحبه امین عزیزی با حجت‌الاسلام عیسی ولایی (رئیس سابق مرکز تحقیقات و اطلاع‌رسانی معاونت امور مجلس رئیس‌جمهور).

۳. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد ساواک به روایت اسناد شهربانی، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۷۸.

۴. همان، ص ۷۳-۷۲.



پس از آزادی امام نیز (یعنی ۱۶ فروردین سال ۴۳) شهربانی تهران به شهربانی مازندران و سایر نقاط کشور دستورات امنیتی و کنترل لازم را برای سرکوب هر نوع تحرک یاران امام صادر کرد. سپس سرلشکر رئیس ساواک کشور در تاریخ ۴۳/۱/۲۰ تلگراف رمزی به ساواک مازندران و سایر استان‌ها مخابره نمود و نوشت:

حسب الامر نظر به اینکه ممکن است در مورد ترخیص آیت‌الله خمینی بعضی محافل بخواهند مراسمی به عمل بیاورند برای اینکه بی خودی تصور نرود که به این موضوع زیاد اهمیت داده می‌شود صلاح در این است که دخالت نشود. اگر در طی این مراسم حرف‌هایی خلاف رویه زده شد هویت اشخاصی که این حرف‌ها را زده‌اند مشخص شود تا مورد بازخواست و تعقیب قرار گیرند. اوامر فوق را دقیقاً مورد نظر و اجرا قرار داده و جریان را به طور روزانه گزارش دهید.^۱

به دنبال این گونه دستورات مقامات ساواک و شهربانی بود که مراقبت‌های مراکز سیاسی - نظامی در استان مازندران افزایش یافت.^۲ امام خمینی و علمای طراز اول در سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ اعلامیه‌ای صادر کردند که سکوت را جرم و استقبال از مرگ سیاه دانستند.^۳



یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌های حکومت پهلوی پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که

۱. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد ساواک به روایت اسناد شهربانی، همان، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۱۰۹.

۳. حکیمه امیری، تاریخ شفاهی هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۱.



زمینه را برای تبعید امام خمینی (ره) به خارج از کشور فراهم کرد، تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود. امام خمینی که از حضور مستشاران نظامی و امنیتی امریکایی در ایران آگاهی داشت و از تصویب کاپیتولاسیون نیز اطلاع یافته بود تصمیم گرفت تا این توطئه بزرگ و ننگین را افشا کند. از این رو در حالی که رژیم می‌کوشید تا با برگزاری تبلیغاتی پر زرق و برق جشن چهارم آبان (۱۳۴۳ه‌ش) مصادف با چهل و پنجمین سالروز تولد شاه مسئله کاپیتولاسیون را به فراموشی بسپارد، امام خمینی سخنرانی افشاگرانه خود را در همان روز (چهارم آبان ۴۳) ایراد نمود که در همه جا منتشر شد. در همین سخنرانی امام خمینی به صراحت اعلام کردند که سکوت گناه کبیره است.^۱ همچنین امام در اعلامیه‌ای تصویب لایحه کاپیتولاسیون را «سند بردگی ملت ایران» و «اقرار رژیم به مستعمره بودن ایران و ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت» نامید و نسبت به سوءاستفاده‌های ناشی از آن هشدار داد. این اعلامیه در تهران و برخی شهرهای کشور پخش شد و تعداد زیادی از آن در خانه‌های امریکاییان ساکن تهران انداخته شد. نه روز پس از سخنرانی امام، در نیمه‌شب ۱۳ آبان صدها کماندو منزل امام در قم را محاصره و ایشان را دستگیر و شبانه به تهران منتقل کردند و با یک هواپیمای باری و به همراه دو مأمور امنیتی به ترکیه تبعید نمودند. حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت به دلیل توهین به امام خمینی (ره)، تصویب لایحه کاپیتولاسیون و تبعید امام به ترکیه در اول بهمن ۱۳۴۳ توسط یکی از اعضای مؤتلفه اسلامی ترور شد.^۲

نقش علمای آمل در اعتراض به تبعید امام خمینی چشمگیر بود؛ به طوری که حاج میرزا هاشم آملی به همراه حاج شیخ مرتضی حائری، سید احمد زنجانی در این زمینه جلسهای با آیت‌الله جعفر سبحانی برگزار کردند.^۳

لازم به ذکر است که از همان روزهای نخست تبعید امام یکی از درخواست‌های مراجع از اولیای امور، اعزام نماینده‌ای به ترکیه برای دیدار با امام به منظور اطمینان از سلامتی ایشان بود که قریب دو ماه پس از تبعید ایشان با این درخواست موافقت شد و گویا

۱. نجف لک‌زایی، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸.
 ۲. محمود مقدسی و دیگران (به کوشش)، *ناگفته‌ها، خاطرات شهید مهدی عراقی*، تهران، رسا، ۱۳۷۰، ص ۲۴۴-۲۴۶.

۳. *یاران امام به روایت اسناد ساواک، آیت‌الله عبدالرسول قائمی*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ص ۷۶. آیت‌الله سبحانی در جریان تبعید امام به ترکیه به جرم تشویق علما و مراجع قم برای انجام عکس‌العمل در مقابل عمل دولت وقت و ملاقات با آقایان حاج شیخ هاشم آملی، حاج شیخ مرتضی حائری و سید احمد زنجانی بازداشت شد. همان.



نخستین فردی که برای این مأموریت تعیین شد، حاج سید فضل‌الله خوانساری (داماد آیت‌الله احمد خوانساری) بود. چنین به نظر می‌رسد که به دنبال مکاتبات جاری بین آیت‌الله مرعشی با آیت‌الله محمدتقی آملی در تهران، ایشان طی ارتباط با وزیر دربار پیام را ابلاغ کرده و اولیای امور نیز با عزیمت نامبرده به ترکیه موافقت نمودند.^۱

مردم آمل در سال‌های بعد نیز سعی کردند که یاد مهم‌ترین رویدادهای نهضت اسلامی رازنده نگه دارند؛ به طوری که در شب ۱۶ فروردین سال ۱۳۵۳ اطلاعیه‌ای توسط «گروه خرداد خونین» در حوالی بازار شهرستان آمل توزیع شد که در آن حماسه دوم فروردین، ۱۵ خرداد سال ۴۲، تبعید امام و ایجاد محدودیت در مورد روحانیت تشریح شده بود.^۲

بعد از جریانات سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ ش که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و بسیاری این وقایع را سرآغاز این انقلاب می‌دانند، رژیم توانست با تبعید امام (س) به ترکیه و بعد از آن به عراق بر اوضاع مسلط شده و با سرکوبی تظاهرات کنندگان و دستگیری بسیاری از اعضای اصلی این وقایع، دوره‌ای از آرامش و اقتدار مطلقه خود را به نمایش گذارد. اما انقلابیون مذهبی شهر آمل در همین شرایط خفقان‌بار، توانستند با رفت و آمدهای مستمر از آمل به تهران و قم و ارتباط با روحانیون و مراجع آموزه‌های انقلابی و اسلامی را از مرکز تحولات سیاسی و اجتماعی به شهر آمل انتقال دهند.^۳

با فرارسیدن ماه محرم سال ۱۳۵۶، از اواسط آذرماه ۱۳۵۶ مساجد و حسینیه‌های شهرها و روستاهای مازندران، محل تمرکز عزاداران ضد رژیم گردید. در همین روزها در شهر آمل و بابل شیشه سینماها که در آن روز مظهر فساد بود، شکسته شدند. در این میان روحانیون و وعاظ زیادی در استان و شهر آمل در جهت تقویت و روند انقلاب تلاش کردند.^۴ قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ مردم قم، انقلاب را در سرتاسر کشور گسترده کرد و تمام مردم ایران رسماً وارد مبارزه با رژیم شدند. در سطح استان مازندران نیز تمامی قشرها اعم از دانشجوی، بازاری، کارگر و... بر تظاهرات و مخالفت‌های خود علیه رژیم افزودند؛ به طوری که جمعی از مردم انقلابی آمل در روز ۲۵ بهمن‌ماه به همراه دانش‌آموزان دبیرستان پهلوی سابق علیه رژیم دست به تظاهرات زدند. در همین رابطه رژیم چهار

۱. متن پاسخ آقای حاج شیخ محمدتقی آملی به نامه آیت‌الله مرعشی نجفی درباره فرستادن نماینده‌ای به ترکیه برای ملاقات با امام، اسناد/انقلاب/اسلامی، همان، ص ۱۲۹.

۲. غلامرضا خارکوهی، همان، ص ۴۴۳.

۳. امین عزیزی، تاریخ شفاهی زندگی و عملکرد سید محمود کاظمی دینان در انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در دست چاپ.

۴. اطلاعات، آذرماه ۱۳۵۶.

نفر را دستگیر کرد.^۱

با فرا رسیدن سال ۱۳۵۷ شور انقلابی مردم شدت یافت. امام خمینی (ره) عید نوروز سال ۱۳۵۷ را تحریم کردند. در استان مازندران نیز مردم عید نوروز را تحریم کردند. در مساجد استان اعلامیه‌هایی مبنی بر تحریم عید نوروز نصب شده بود. در ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ چهار نفر از دانش‌آموزان آمل که در حال توزیع اعلامیه بودند، توسط مأمورین شهربانی تعقیب و دو تن از آنها زخمی و روانه بیمارستان شده و یک نفر بازداشت و نفر چهارم متواری شد.^۲ در ۱۹ مرداد و ۱۱ مهر ۱۳۵۷ نیز دانش‌آموزان آمل به رهبری روحانیون دست به تظاهرات زدند. در ۱۲ مهر کارمندان اداره پست و اداره دادگستری آمل دست به اعتصاب زدند؛ به طوری که تا تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۵ تمامی ادارات و سازمان‌ها تعطیل شدند و کارکنان آنها به اعتصابیون پیوستند. در روز ۱۳۵۷/۷/۱۷ در کلیه شهرهای مازندران راهپیمایی‌هایی ضد رژیم انجام شد؛ به طوری که در همین روز سینما آرش آمل در آتش سوخت و به بانک‌های زیادی حمله شد. در روز ۱۸ مهر نیز به مناسبت چهلمین روز شهدای میدان ژاله تهران در آمل تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت. همچنین در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۵ در شهر آمل تظاهرات گسترده‌ای از سوی مردم در پاسخ به دعوت روحانیون برای اعتصاب صورت گرفت که به درگیری با نیروهای دولتی انجامید و در پی آن ۲ نفر شهید و ۴۰ نفر مجروح شدند.^۳

آمل همانند دیگر شهرها و مناطق کشور در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی تحرک فوق‌العاده‌ای در مبارزه با رژیم پهلوی از خود بروز داده بود. مهم‌ترین مسئله‌ای که شهر آمل را در دوران انقلاب به شهرت رساند، نام شهری به نام «حکومت مردمی» بود؛ چرا که آمل اولین شهری است که در اوان پیروزی انقلاب اسلامی، از ارگان مردمی برای اداره شهر برخوردار شد. بنابر گزارش روزنامه/اطلاعات در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۹ چنین آمده:

مردم به خیابان‌ها ریختند شهربانی تعطیل شد و افراد حزب‌اللهی شهر را با چوب‌دستی اداره می‌کردند. در آن زمان مردم اتومبیل مربوط به ساواک را در سه راهی اداره برق آتش زدند. گروهی از جوانان آمل که از چند شب قبل اداره امور انتظامات شهر را عملاً در دست گرفته بودند موفق شدند سرنشینان یک اتومبیل BMW را که به قصد تخریب

۱. همان، بهمن‌ماه ۱۳۵۶.

۲. همان، مهرماه ۱۳۵۷.

۳. همان.



و آتش‌زدن شهر و کشتار مردم وارد شهر شده بودند، گروگان بگیرند.^۱ حکومت مردمی در آمل به گونه‌ای بود که مردم و جوانان انقلابی به جای نیروهای پلیس در چهارراه‌ها وظیفه کنترل عبور و مرور را بر عهده داشتند. همچنین ایستگاه‌های بازرسی برپا کرده و امور شهر را زیر نظر داشتند و کلیه فعالیت‌های انتظامی و غیر انتظامی شهر را به دست گرفته بودند.

گروه حفاظت ملی متشکل از جوانان شهر آمل کنترل کلیه امور شهر را در دست گرفتند. ابتکاری که جوانان آمل به خرج دادند، صدور کارت‌های بخصوصی بود که بر روی آن مهر حفاظت ملی خورده بود و رفت و آمد مردم در تمام ساعات شب با این کارت‌ها انجام می‌گرفت.^۲ این امر نشان می‌دهد که مردم آمل حضوری گسترده و فعال در عرصه مبارزه با رژیم پهلوی داشته‌اند. بی‌دلیل نبود که مقام معظم رهبری در سفر خود به مازندران در سال ۱۳۷۷ در جمع پرشور مردم آمل در مورد سابقه درخشان تاریخی و نقش مؤثر شهر آمل در پیروزی انقلاب اسلامی فرمود:

شهر شما هم در گذشته هم در دوران انقلاب، شهر درخشانی بوده است؛ تاریخ درخشانی پشت سر این مردم مؤمن و خون‌گرم است. مردم شهر آمل در گذشته، در دورانی که شمشیر مبارزان در سرتاسر دنیای آن روز پیش می‌رفت در مقابل شمشیرها تسلیم نشدند و پیام حق و حقیقت را از خاندان پیامبر، با عاطفه و محبت و عشقی که بر خاندان پیامبر داشتند، دریافت کردند.^۳

مازندران به ویژه آمل گسترده‌ترین حضور بانوان، روستاییان، کارگران، فرهنگیان، دانشجویان، دانش‌آموزان، بازاریان و دیگر قشرها را در جریان انقلاب تجربه کرده است. در این رابطه باید نقش بی‌بدیل مساجد و حسینیه‌ها را کاملاً استثناء نگریست که در کنار دانشگاه‌ها و مدارس، نقش مهمی در ساماندهی، اطلاع‌رسانی و سرویس‌دهی فرهنگی نهضت امام خمینی (ره)، بر عهده داشتند.

در اواخر محرم ۱۳۵۷ و با رشد حرکت‌های انقلابی در سراسر کشور، در شهر آمل نیز حرکات و تکاپوی‌های انقلابی رشد و تحرک بیشتری یافت؛ به طوری که در این برهه زمانی راهپیمایی‌هایی از مسجد محله چاکسر آمل که آیت‌الله جوادی آملی یکی از روحانیون و علمای بنام شهر در آن سخنرانی می‌کردند، شکل گرفت. راهپیمایان با

۱. اطلاعات، ۱۳۵۷/۱/۹.

۲. همان.

۳. گاهنامه آمل در مجلس، س ۴، ش ۱۳۸۲، ص ۱.

رهبری آیت‌الله جوادی که در پیشاپیش جمعیت حرکت می‌کرد، پس از طی مسیر طولانی به سمت میدان هفده شهریور (میدان مرکزی شهر) رفتند. در اطراف میدان و خیابان هفده شهریور، سربازان رژیم مانع از حرکت مردم شدند، ولی اراده و عزم انقلابی جوانان هر مانعی را از سر راه برداشت. تعدادی از جوانان لباس خویش را درآورده و سینه خود را در برابر سلاح سربازان باز کردند تا خود را فدای انقلاب اسلامی کنند. آنان به میدان هفده شهریور رسیدند و مجسمه شاه را از بالای بانک سپه این شهر به زیر کشیدند. بعد از این که مدتی آن را در شهر گرداندند، بر بالای پل معلق حلق آویز کردند.^۱ تظاهرکنندگان همچنین خواستار آزادی زندانیان سیاسی، لغو حکومت نظامی و آزادی مطبوعات شدند.^۲ در ۲۹ دی ماه نیز مردم آمل در یک تظاهرات که شعارهایی همچون «خمینی، خمینی تو وارث حسینی» سر می‌دادند اعتقاد قلبی خود به امام خمینی رهبر نهضت اسلامی را نشان دادند.^۳



امام خمینی که در نیمه دوم سال ۱۳۴۳ بعد از سخنرانی افشاگرانه و کوبنده خود در ۴ آبان علیه لایحه خفت‌بار کاپیتولاسیون به ترکیه و از آنجا به عراق تبعید شده بود، به دلیل تغییر شرایط و تحت فشار دولت عراق، به پاریس (دهکده نوفل‌لوشاتو) هجرت کرد. ورود امام به پاریس همزمان با گسترده شدن موج انقلاب در سراسر ایران و حضور گسترده دانشجویان خارج از کشور و نیز علما و شخصیت‌های داخلی در اقامتگاه در

۱. اطلاعات، ۱۳۵۷/۸/۹.

۲. همان، ۱۳۵۷/۱۰/۱۶، ش ۱۵۷۵۲، ص ۵.

۳. همان، شنبه ۱۳۵۷/۱۰/۳۰، ص ۸.



پاریس برای دیدار با ایشان بود. امام در آنجا با سخنرانی، صدور اعلامیه، مصاحبه با خبرگزاری‌ها و جراید خارجی و ملاقات با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی پیام ملت ایران را به گوش جهانیان می‌رساند و نهضت را به رهبری خود پیش می‌برد.^۱

با گسترش موج انقلاب و شکل‌گیری اعتراضات و راهپیمایی‌های تعیین‌کننده و فرار محمدرضا از کشور، امام در این شرایط تصمیم گرفت به کشور بازگردد. به محض اعلام تاریخ ورود امام خمینی، کمیته‌هایی به منظور برپایی مجالس جشن و سرور در اکثر شهرهای کشور از جمله آمل تشکیل شد. همچنین نمایندگان در آمل تعیین شدند تا روز جمعه به تهران اعزام شوند و در مراسم استقبال از امام خمینی شرکت کنند.^۲

به این ترتیب امام با همه تهدیدات از سوی دولت شاپور بختیار نخست‌وزیر وقت رژیم پهلوی بعد از تقریباً پانزده سال تبعید و دوری از وطن، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ ش به ایران بازگشت. در حالی که سه میلیون نفر به دلیل این بازگشت پیروزمندانه، به استقبال ایشان آمده بودند. بنابر گزارش بی‌بی‌سی: «غوغایی در گرفت وقتی سه میلیون نفر به استقبال بازگشت پدر انقلاب رفتند تا با انقلاب او تجدید بیعت کنند».^۳

در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ کلیه مغازه‌ها و بازار شهر آمل به عنوان اعتراض نسبت به سخنان تهدیدآمیز بختیار مبنی بر جوخه اعدام تعطیل شد و مردم اقدام به تظاهرات کردند.^۴ در روزهای سرنوشت‌ساز ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ درگیری شدیدی میان انقلابیون از همه طیف‌های سیاسی با نیروهای حکومتی در گرفت.^۵ سرانجام در ساعت ۶ بعد از ظهر رادیو اعلام کرد: «اینجا تهران است، صدای راستین ملت ایران، صدای انقلاب». ^۶ به این ترتیب، در پی مبارزه مردم با رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی، حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی فروپاشید و انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و به گفته سید محمود کاظمی دینان یکی از انقلابیون شهرستان آمل: تربیت شدگان و فرهیختگان اهل بیت (س) در یک زمان به گرد شمع

۱. عبدالله جاسبی، *تشکل فراگیر، مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، علمی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲. *اطلاعات*، دوشنبه ۱۳۵۷/۱۱/۲، ش ۱۵۷۶۶، ص ۵.

۳. پرواند ابراهامیان، *مردم در سیاست ایران، پنج پژوهش موردی*، ترجمه بهرنگ رجبی، تهران، چشمه، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴.

۴. *اطلاعات*، دوشنبه ۱۳۵۷/۱۱/۱۶.

۵. جان فوران، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس انقلاب اسلامی)*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۹۲، ص ۵۶۶.

۶. پرواند ابراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۷۷، ص ۶۵۲-۶۵۱.

وجود ذراری مرضیه، حماسه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را آفریدند و بت‌های طاغوتیان تاریخ را که در حکومت دژخیمان مجسم شده بود و حمایت تام و تمام کج‌اندیشان شرق و غرب را پشت سر داشت، فروپاشیدند.^۱

۱. آرشیو خانوادگی سید محمود کاظمی دینان، دست‌نوشته‌ها.